

دیدگاه اساتید

صحنه

از این شفاف‌تر؟!

جماعتی که در عاشورای سال ۶۱ هجری در برابر حسین بن‌علی(ع) صف‌آرایی کرده بودند، اگرچه کاملاً جبهه حق را از باطل تمیز می‌دادند اما هر یک به طمع عواید و منفعتی، به محاربه با سیدالشهدا آمده بودند. یکی به نیت ثروت و صلّه آمده بوده؛ دیگری برای مُلک ری و اراضی شهوت‌قدرت؛ آن یکی به منظور شهرت و احمق دیگری هم به قصد قربت الی‌الله! با این وجود اما تنها راه رسیدن به تمام این مقاصد شوم از مسیر شهادت حسین(ع) می‌گذشت و هدف، وسیله را که کشتن امام عصرشان بود، توجیه می‌کرد.

امروز نیز به تاسی از «کل يوم عاشورا» همگان شاهدند، افرادی به بهانه مرگ کاملاً اتفاقی دختری ۲۲ ساله، چنگ بر روی حکومتی می‌اندازند که با خون صدها هزار شهید نضج یافته است و این مستحکم را وسیله‌ای برای هدف براندازی تنها نظام شیعی جهان قرار داده‌اند. در این بین هرکس به نیتی در این جمع کثیف گرد آمده است. یکی برای گرین کارت ینگه دنیا؛ دیگری برای در دست گیری خیالی قدرت در دوران پسا جمهوری اسلامی؛ آن یکی برای آزادی دیسکو و ویسکی و نایت کلاب و دیگری برای پروموت کردن خود در بین فالوورهایش.

صحنه اما شفاف‌تر از این نمی‌شود. اگر تا پیش از این و در سال ۱۳۸۸، پشت رنگ سبز سادات و سر دادن تکیه‌های شبانه از آپارتمان‌های بالای شهر پایتخت قایم شده بودند، اینک علناً قرآن‌سوزی به راه می‌اندازند و با صدای انکر الاصواتشان علیه ولایت فقیه شعار می‌دهند. اگر تا چندی قبل، بانوی اول امام لریستان با چادر در انظار عموم ظاهر می‌شد، امروز همان قماش کفته‌گر و سابقا سبزپوش، چادر از سر بانوی مسلمان ایرانی می‌کشند! دشمن اما همه توان و عده و عده خود را به مصاف آورده است. از زلیخای تلویزیون و جادوگر فوتبال و مطربان لس آنجلسی گرفته تا به خیال خام خود نگذارند تا حیات این نظام مقدس تداوم داشته باشد غافل از اینکه همان‌طور که گنده ترایشان این آرزو را با خود به گور بردند، آنها نیز یقیناً به سرنوشت مشابهی دچار خواهند شد. در این نبرد مکتبی اما لازم است تا بدانیم در کجا ایستاده ایم. مواضع طرفین تقابل هم کاملاً مشخص است و دیگر نمی‌توان با



این ترغیب نخب نما شده که هر دو طرف حق را می‌گویند، وسط لُحاف خوابیده و موضع موازنه مثبت را اتخاذ نمود. امروز حق در برابر باطل؛ حجاب در برابر برهنگی؛ حیا در برابر هرزگی؛ ادب در برابر دریدگی؛ منطق در برابر پشمکی؛ صبر در برابر شتاب زدگی و... قرار دارند و باید جناح ایستادن در سمت و سوی یکی از این دو را تعیین نمود. تک به تک کنشگران سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایرانی باید موضع خود را در این نبرد مشخص کنند و پای هزینه‌های مادی و معنوی احتمالی آن هم بایستند. انقلاب اسلامی به انقلابی عافیت جوی عزت نشین هیچ احتیاجی ندارد که تنها در هنگامه تقسیم غنایم در صف اول حاضر باشد و به وقت زد و خورد، غنایم؛ چراکه نهایت بی‌صفی است که نماز را پشت سر علی (علیه‌السلام) خواند و غذا را با معاویه (علیه‌اللمنه) تناول کرد. در چنین بزنگاهایی باید از خواصی متعجب بود که همچون وقایع سال ۱۳۸۸، صم البکم به قضایا می‌نگرند و علی‌رغم شناخت مسیر حق و شنیدن ندای «این‌عمرار؟» از سوی ولی امرشان، باز هم مصلحت‌اندیشانه موضع می‌گیرند تا به وقت سنگینی کفه ترازو به سمت یکی از طرفین، به آن سمت غش کنند!

باید همچون گذشته واقف باشیم، همان‌طور که از دهه هشتاد تا به امروز «نرزی هسته‌ای» کلیدواژه محاصمات استکبار علیه ایران بوده و علی‌رغم تمامی اقدامات اعتمادساز، تاکنون منجر به هیچ تغییر نگرشی نگردیده است؛ غائله اخیر بر سر «حجاب» و «گشت ارشاد» نیز قطعاتی دیگر از این دومینوی بهانه جویی‌های غرب علیه جمهوری اسلامی است که حدّ یَقِف نداشته و به محض اتمام آن، پروژه‌های دیگر برای تحت فشار قرار دادن ایران و ایرانی در دستور کار اتاق‌های عملیات روانی دشمن قرار می‌گیرد. قرآن کریم تعریف بسیار دقیق و مبسوطی از این جماعت دارد: «ولن ترضی عسکَ الیهود ولا النصرای حتّی تُتبع ملتّمهم» بدین معنی که آنان هیچ‌گاه از ما راضی نخواهند شد مگر آنکه ایران اسلامی را به همان سبک و سیاقی منحوس فرهنگی در دوران پهلوی بازگردانند و واژگانی همچون غیرت و عفاف و شرف را برای همیشه از دایره‌المعارف ایرانیان پاک کنند.

کمترین توقع اما برخورد بی‌اغماض با افراد و جریانات وقیحی است که در نهایت گستاخی، نمک این نظام را می‌خورند و با هراهی با مُشتی مزدور و مواجِب‌گیر اجنبی، ضمن آتش‌باری در معرکه آشوب و اغتشاش، نمکدان می‌کشند! این‌را نباید همچون فتنه سال ۸۸ که تساهل و تسامح با مسیبین آن، منجر به ورود پنج نفر از اعضای اصلی ستادهای انتخاباتی قومسوی و کرویبه به هیئت‌های دولت یازدهم و دوازدهم شد، از جرم بانیان وقایع سال ۱۴۰۱ چشم‌پوشی کرد و شایسته است تا با قاطع‌ترین و عبرت‌آموزترین شیوه قانونی، با این قماش مواجه نمود.

محمد زندی
مدرس

از دانشجویان نیز به مراتب بیشتر است و کمترین توقع، آگاهی و هوشیاری هر چه بیشتر دانشجویان در برابر توطئه‌های دشمنان و در یک کلام داشتن « بصیرت» است.

با تأسیس مراکز آموزش عالی و به طور مشخص دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ شمسی که طی آن گروهی از جوانان در مکانی علمی گرد هم آمدند، فرصت و مجالی شد که بخش مهمی از تحولات سیاسی، اجتماعی کشور در مکانی با نام «دانشگاه» شکل بگیرد. این فعالیت با گسترش مراکز علمی و در گذر زمان نظام‌مند شده و مفهومی با نام جنبش دانشجویی در قاموس سیاسی کشور پدید آمد.

آغاز دور جدید جنبش دانشجویی را می‌توان از ۱۳۲۰ و تبعید رضا شاه از کشور دانست که نهایتاً به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ختم شد. گرایش‌های مارکسیستی، ناسیونالیستی و اسلامی از جمله گرایش‌هایی است که در جنبش‌های دانشجویی از آغاز تا کنون وجود داشته و در هر برهه از زمان متأثر از یکی از این گرایش‌ها بوده است.

مهم‌ترین گرایش در میان دانشجویان، گرایش اسلامی بود که از آغاز این جنبش شکل گرفت و بیشتر به منظور مقابله با تبلیغات ضد دینی برخی فرقه‌های سیاسی و شبه دینی از جمله مارکسیست‌ها و بهائیان اقداماتی انجام داد و فعالیت عمده‌اش را در راه مبارزه با فرقه‌های یاد شده صرف نمود.

به این سخنران توجه کنید: «تبیاید اجازه داد قداست علمی و اخلاقی و اعتبار و خوش نامی جامعه‌نخبگی این دانشگاه با برخی رفتارهای تحمیلی از بیرون دانشگاه مخدوش شود. مطمئن هستیم شریفی‌ها اجازه نمی‌دهند که بدخواهان و منافقین، شرافت این دانشگاه را مخدوش کنند و قطعاً شریف با شرافت باقی خواهد ماند.»

این سخنران اخیر رئیس‌جمهور کشورمان در نشست با حضور وزیر علوم و جمعی از مسئولان دانشگاه صنعتی شریف است که به بررسی ابعاد حوادث هفته جاری در دانشگاه شریف پرداختند. به نقل از خبرگزاری فارس؛ به نظر می‌رسد آنچه در سال جاری باید در اولویت جدی نظام آموزش عالی کشور قرار گیرد، فراهم کردن یک جهش جدی و ضروری در حوزه تربیت واندیشه است که مقدمه چنین جهشی می‌تواند فعال کردن کرسی‌های آزاداندیشی باشد. کرسی‌هایی که رهبر انقلاب بارها و به طور مستمر برای برقراری آنها تأکید داشتند.

فعالیت‌ها و تلاش شخصیت‌های فرهیخته‌ای نظیر آیت‌الله شهید مرتضی مطهری، آیت‌الله شهید دکتر محمد مفتاح، آیت‌الله طالقانی، علامه جعفری، دکتر علی شریعتی و... قبل از انقلاب اسلامی، فضای عمومی و سیاسی کشور و همچنین فضای سیاسی دانشگاه‌ها را با سرعتی محسوس به سمت گرایش‌های اسلامی پیش برد.

بعد از انقلاب هم مطالبه دانشجویان از دولت‌های مختلف شکلی جدی‌تر به خود گرفت و رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۷۲ با صراحت از سیاسی



سال‌های مابین ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ یکی از دوره‌های اوج فعالیت‌های دانشجویی با گرایش‌های اسلامی است. در این دوره با توجه به رشد کمی نظام آموزشی و افزایش تعداد دانشجویان همچنین تغییر بافت طبقاتی و فرهنگی دانشجویان بر وزن و اقتدار طیف نیروهای مذهبی فعال در دانشگاه‌ها افزوده شد. از جمله دیگر دلایل مهم تشدید فعالیت‌های دانشجویان با گرایش‌های دینی فعالیت و نفوذ کلام‌اندیشمندان و روحانیون مسلمان در فضای دانشگاه بود.

از زمان شکل‌گیری دانشگاه تهران به عنوان اولین دانشگاه ملی ایران تاکنون، هیچ‌گاه خوانندیم و ندیدیم که بگویند دانشجویان برای مطالبه امری از حاکمیت، شعارهای وقیحانه سردانند. در ادوار مختلف جنبش‌های دانشجویی، به طور کلی میل به رادیکالیسم و شعارهای عدالت طلبانه اجتماعی، استعمارستیزی و دشمنی با امپریالیسم و مخالفت با سابقه دست‌نشدگی و وابستگی حکومت محمدرضاشاه از مولفه‌های اصلی حاکم بر جنبش‌های دانشجویی در قبل از انقلاب بود.

شعارهای رکیک و خارج از عرف اخلاقی تعدادی از دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف طی روزهای اخیر نشان داد که از یک طرف برنامه‌ریزی دشمنان بیرونی و عوامل داخلی آنان در سوءاستفاده از فضای علم و دانش بسیار همدمند بوده و از طرف دیگر ضرورت هوشیاری و آگاهی هرچه بیشتر دانشجویان کشورمان، خصوصاً ورودی‌های سال جدید را دوچندان می‌کند.

با نگاهی به تاریخچه جنبش‌های دانشجویی در ایران در می‌یابیم که همیشه دانشجوی یک فرد مطالبه‌گر بوده است و حاکمیت پاسخگو و در طی سالیان متمادی شعارهای دانشجویان، طرفدار هر طیف و دیدگاه سیاسی، از چارچوب‌های عرف و اخلاق فراتر نرفته است.

حوزه‌های علمیه، قضاوت و شهادت را توأمان مشق می‌کنند. فقهای عظیم الشان اسلام و نظام روحانیت همواره حافظان و مراقبان و حمون اسلام بوده‌اند. در این برهه حساس که انمّه الکفر پشت به پشت هم داده و از اروپا تا آمریکا، لشکر برهنگان و هتاکان را پناه داده، زبان عالم از یمن گرفته تا فلسطین، خواب از چشم مستکبرین ربوده و تمام زور و زور و تزویر خود را پای کار آورده‌اند تا سایه بر آفتاب اندازند.

متن این بیانیه به شرح زیر است:

«حوزه علمیه به ویژه اساتید و فضلا، از عموم

علمیه طی بیانیه‌ای در دفاع از مقام معظم رهبری و نظام مقدس جمهوری اسلامی تأکید کردند: خشم دشمن از کار آمدی این نهاد مقدس در حفظ امنیت و پیشرفت ایران در چهل سال گذشته انکار شدنی نیست. تبدیل شدن این الگو برای تمام مستضعفین عالم از یمن گرفته تا فلسطین، خواب از چشم مستکبرین ربوده و تمام زور و زور و تزویر خود را پای کار آورده‌اند تا سایه بر آفتاب اندازند.

متن این بیانیه به شرح زیر است:

«حوزه علمیه به ویژه اساتید و فضلا، از عموم

بیش از ۶۰۰۰ استاد دانشگاه و مراکز آموزش عالی کشور با محکومیت اغتشاشات اخیر، از دستگاہ‌های قضایی و امنیتی خواستند با اختلالگران نظم و امنیت به‌ویژه هتاکان به مقدسات و نوامیس کشور برخورد قاطع کنند.

در این بیانیه که از سوی بسیج اساتید کشور تدوین و به امضای اساتید رسیده، آمده است: «لله شریف و بیدار ایران می‌دانند که در آستانه بازگشایی دانشگاه‌ها و مدارس و چهل و دومین سالگرد گرامیداشت هفته دفاع مقدس، ناخشنودی استکبار جهانی و دشمنان قسم‌خورده انقلاب اسلامی

خروش اساتید حوزه و دانشگاه علیه اغتشاشگران



نهاد مقدس در حفظ امنیت و پیشرفت ایران در چهل سال گذشته انکار شدنی نیست. تبدیل شدن این الگو برای تمام مستضعفین عالم از یمن گرفته تا فلسطین، خواب از چشم مستکبرین ربوده و تمام زور و زور و تزویر خود را پای کار آورده‌اند تا سایه بر آفتاب اندازند. همچنین حوزه علمیه وظیفه خود می‌داند قردان مجاهدت نیروهای انتظامی از پلیس گرفته تا جوانان مؤمن بسیجی بوده، به خانواده‌های شهدای دفاع از وطن تبریک و تسلیت عرض می‌کند و این اطمینان را می‌دهد که نظام اسلامی اجازه پامال شدن خون این عزیزان را نمی‌دهد. جوانانی که وقتی حلقه به هم پیوسته کفر صهیونیستی و نفاق شبکه‌های معاند و

ملت شریف ایران که با هوشیاری و تقوای مثال‌زدنی و حضور افتخارآمیز در صحنه، تمام توطئه‌های بدخواهان ایران اسلامی را نقش برآب کرده قدرانی نموده و بر موارد زیر تأکید می‌نمایند: حوزه علمیه و بدنه طلاب و اساتید آن، بر عهد خویش با رهبر فرزانه انقلاب اسلامی استوار مانده و با جان و قلم آماده جان‌فشانی در این راه نورانی و پر فیض بیش از پیش است. دشمنان اسلام به ویژه منافقینی که این ایام با حمله به احکام مترقی دین، تلاش مذبحخانه‌ای در ارائه چهره‌های مخدوش از ایران اسلامی در جهان را آغاز کرده‌اند، بدانند که شاگردان مطهری‌ها و بهشتی‌ها و مفتح‌ها و شهدای محراب در

از پیشرفت‌های شگرف علمی، حضور مقتدرانه رئیس‌جمهور کشورمان در سازمان ملل، افزایش اعتماد افکار عمومی و سرمایه اجتماعی نسبت به نظام اسلامی، پیوستن جمهوری اسلامی ایران به پیمان شانگهای، گسترش چشمگیر روابط ایران با کشورهای همسایه و در نتیجه کاهش وابستگی به دلار و درآمدهای نفتی و تسهیل در حل مشکلات اقتصادی کشور ریشه دارد.

دشمنان ما می‌دانند که دفاع مقدس فرصت‌های بی‌نظیری را برای کشور ایجاد کرد که از جمله آنها می‌توان به ظهور قهرمانان ملی مانند سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، صدور پیام مقاومت و شکل‌گیری فرهنگ ایستادگی، عدم تسلیم در مقابل زورگویی، مقابله با ظلم و تبعیض جهانی، اتحاد ملت و یکپارچگی کشور، اقتدار نظامی و افزایش محبوبیت نیروهای مسلح و... اشاره کرد.

دشمنان ما می‌دانند که دستاوردهای علمی دانشگاه‌های کشور که با تلاش مجاهدانه دانشمندان و اساتید انقلابی و متدین در عرصه‌های مختلف قضایی، نظامی، مهندسی، پزشکی، نانو و علوم پایه در شرایط سخت تحریم‌های ظالمانه استکبار حاصل شده است آینده‌ای بسیار درخشان را در زمانی کوتاه برای کشور عزیزمان رقم خواهد زد. استکبار جهانی و دولت کودک کنش غاصب فلسطین و سرران گروهک‌های معاند و ضد انقلاب ایرانی می‌دانند که وجود آرامش و امنیت در این شرایط یعنی جلب توجه افکار عمومی جهان به حضور بیش

تصاویری از نشست مسئولین بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور مهرماه ۱۴۰۱

